

## نگاهی بدیهی به اداهای مربوط به چگونگی فراگیری زبان توسط کودکان

ارسلان گلنادر

در سالهای اخیر توجه به اداهای مربوط به چگونگی یادگیری زبان در کودکان به عنوان یکی از مهمترین، جالبترین و پدیده‌ترین مسائل زبانی مطرح شده است. علاقه مردم به دانستن چگونگی توسعه بخش زبان در کودکان، سبب این توجه است. اهمیت موضوع در این است که تحقیق در فراگیری زبان، می‌تواند به طور کلی به فهم ما از زبان و به بسیاری از دستاوردهای نظری و تجربی در خصوص نقص زبانی کودک - به ما کمک کند. پیچیدگی بحث به دستاوردهای نظری و تجربی ما می‌گردد که محقق با برداشتن اولین گامها برای توضیح مسائل مربوط به توسعه زبان، در توسعه زبانی در خردسالان - با آنها مواجه می‌شود. در این نوشته سیر تحول اینگونه ادوات و دیدگاههای گوناگون زبان آموزی، به گونه‌ای مختصر بررسی می‌شود. بدیهی است ادوات موضوعات مطرح شده، در چنین مقاله‌ای نمی‌گنجد.

پژوهشگران پیشین در این زمینه به دستاوردهای بسیار ارزشمندی دست یافته‌اند. اما بیشتر این مطالعات بر نظریه‌ای استوار مبتنی نبوده، بلکه بسیار محدود و پراکنده بوده‌اند. بررسی دقیق و منظم، تنها از دهه‌های میانی قرن بیستم، یعنی زمانی که ضبط صوت به صورت وسیله‌ای عادی در زندگی روزمره درآمد، میسر شد. این وسیله باعث

شد تا شنیدن نمونه‌های گفتار کودکان، به طور ثابت و همیشگی در دسترس تحلیل‌گرانی که می‌خواستند به گفتار مبهم آنان چندین بار گوش فرا دهند، امکان پذیر شود. بدین ترتیب، تحلیل‌گر می‌توانست توصیفی جزئی و دقیق از گفتار کودک ارائه دهد. از آن زمان تا کنون، اینگونه پژوهشها مورد توجه پژوهشگران شاخه‌های مختلف علم، بخصوص زبان‌شناسان و روان‌شناسان قرار گرفته است. این دو گروه از تکنیکهای مشاهده‌ای و تجربی برای مطالعه فرایند فراگیری زبان استفاده کرده‌اند.

دلیل موفقیت و گسترش سریع اینگونه تحقیقات، در این است که پژوهشگران روشهای رضایت‌بخشی را برای جمع‌آوری داده‌های زبانی کودکان، ابداع کرده‌اند. این روشها با روشهای مطالعه زبانی بزرگسالان تفاوت بسیار دارند، چون بسیاری از شیوه‌های عادی زبان‌شناسی را نمی‌توان در خصوص کودکان به کار برد. انجام دادن برخی آزمایشها غیرممکن است؛ زیرا جنبه‌های توسعه شناختی<sup>۱</sup> مانند توانایی برای توجه کردن و یاب‌ه خاطر سپردن دستورالعملها، پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نکرده‌اند. بعلاوه، قضاوت کودکان در باره زبان کار ساده‌ای نیست. کاری که برای افراد زیر سه سال تقریباً غیرممکن است. به هر حال، نمونه‌گیری در سطح وسیع انجام می‌شود و توجه پژوهشگران به ابداع شیوه‌های آزمایشی جلب شده است که با سطح عقلی کودک و تجربه اجتماعی او منطبق باشد. این تلاشها، داده‌های معتبری را پیرامون مراحل فراگیری زبان، از تولد تا بلوغ آشکار ساخته است.

### نمونه‌های تحقیق

برای مطالعه زبان کودکان، تنها یک روش وجود ندارد. زیانشناسی و روانشناسی هر کدام در برخورد با این موضوع رویکرد خاص خود دارند و گونه‌ها و روشهای بسیاری برای انطباق با انواع فعالیتهای کودکان به وجود آمده است. دو نمونه عمده تحقیق عبارتند از: نمونه‌گیری طبیعی و آزمایشی.

**الف) نمونه‌گیری طبیعی<sup>۲</sup>** در این نمونه سخنان کودک در محیطی آشنا و راحت، بدون آگاهی او ضبط می‌شود. بهترین مکان برای این کار، خانه خود کودک است؛ هر چند تجهیزات

1 - cognitive development.

2 - Naturalistic Sampling.

ضبط صوت و یا فیلم‌برداری می‌تواند به عنوان یک عامل مختل‌کننده وضعیت عادی مطرح باشد. همچنین مراکز تحقیقاتی که در آن به کودک اجازه داده شود تا آزادانه با اسباب‌بازیها بازی کند و با والدین و دوستانش صحبت کند، محل مناسبی خواهد بود، به شرط آنکه تجهیزات مزاحم آنها نباشند؛ از این رو بهتر است این تجهیزات دیده نشوند.

یک نمونه طبیعی از کیفیت خوب، معمولاً یک داده ایده‌آل برای مطالعه زبان کودک است. با وجود این، این روش برای محدودیتهایی نیز هست. این نمونه‌ها برای آگاهی از تولیدگفتار مفیدند، اما برای چگونگی فهم آنچه کودکان از پیرامون خود می‌شنوند، چندان راهگشا نیستند. علاوه بر این، این نمونه‌ها نمی‌توانند همه چیز را در بر گیرند؛ از این رو بسراحتی ویژگیهای مهمی از جمله بسیاری از نشانه‌های زبانی کودک را نادیده می‌گیرند. همچنین، ممکن است نمونه‌ها، برخی از ویژگیهای مورد نیاز را نشان ندهد، ویژگیهایی که تحلیلگر را قادر می‌سازد تا در باره چگونگی یادگیری کودک تصمیم‌گیری کند و عقیده خود را بیان کند. به دلایل ذکر شده، توصیف نمونه‌های گفتار کودکان باید با روشهای دیگر تکمیل شود.

**ب) آزمایش<sup>۳</sup>:** روشهای روانشناسی تجربی، به‌طور گسترده‌ای در تحقیقات زبان کودک به کار گرفته شده‌اند. محققان فرضیه‌ای را پیرامون توانایی کودکان برای کاربرد و درک یک جنبه زبان شکل می‌دهد و این فرضیه را به آن جنبه راه‌گروهی از آزمایش‌شوندگان واگذار می‌کند. یک تحلیل آماری از رفتار آزمایش‌شوندگان به عمل می‌آید و نتایج به دست آمده، شواهدی را فراهم می‌کند که فرضیه اولیه را رد یا تقویت می‌کند و یا لاقلاً راه را برای طرح آزمایشهای بهتر هموار می‌سازد.

با استفاده از این روش - با وجود دیگر روشهای مشاهده کنترل شده - محققین به یافته‌های بسیاری در زمینه تولید و درک زبانی گروههایی از کودکان دست یافته‌اند؛ با این همه، تعمیم این یافته‌ها کار آسانی نیست. آنچه در یک موقعیت کنترل شده به دست می‌آید، ممکن است در یک مکالمه طبیعی روزانه به کار نرود. گروههای مختلف آزمایش‌شوندگان، موقعیتهای آزمایش و روشهای آماری، ممکن است به نتایج و تعبیرهای متفاوتی منتهی شوند. بنابراین، می‌توان در مورد روش تجربی، در این زمینه بسیار کند و محتاط است و به سختی پیش می‌رود؛ از این رو، ممکن است سالها طول بکشد تا محققان قانع شوند که همه عوامل

در نظر گرفته شده و یافته آنها یک یافته ناب و خالص است.

### تأثیرهای مشاهده گر

حضور مشاهده گران تحقیق در جلسه ضبط، ممکن است درون مادر بیش از کودک تأثیر بگذارد! محققین مدتها این امر را نادیده گرفته بودند و به آن کم‌جهتی می‌کردند.

یکی از نخستین یافته‌ها در باره زبان مادرانه<sup>۴</sup>، وجود بسط دستوری<sup>۵</sup> در زبان مادر هنگام گفتگو با کودک است. مادران اغلب گفته‌های کودکانشان را شرح می‌دهند و عناصری را به این گفته‌ها می‌افزایند، این فرایند را در روانشناسی زبان<sup>۶</sup> تکرار و افزایش می‌نامند. کودک: ماشین رفت.

مادر: آره، داداش با ماشین رفت.

از تحقیق راجر براون، روانشناس امریکایی، این نتیجه به دست آمد که بسط در مراحل اولیه یادگیری، در یک سوم گفتگوهای مادران به چشم می‌خورد. بسط می‌رسد این بسط یا افزایش برای یادگیری کودک نقش کمکی داشته باشد که در آن مادران سعی می‌کنند نشان هدفی در نظر می‌گرفتند که کمی بیشتر و فراتر از کنش کودکان بود. در مطالعه گران و نیز روانشناس که در بریتانیا انجام شد، تعداد بسط بسیار محدود بود. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که این تجربیات دوگانه و متفاوت چگونه قابل توجیهند؟

به نظر می‌رسد عامل اصلی، حضور و یا عدم حضور مشاهده گرها باشد. در روش براون، همیشه محققین حضور داشتند، اما در روش ولز محققین حاضر نبودند و بیشتر اوقات مادر و بچه تنها بودند. ولز از میکروفنهای رادیو استفاده کرد و به فاصله بیست دقیقه یک بار به طور خودکار، در طول روز ۹۰ ثانیه گفتگوها ضبط می‌شد و والدین نیز از زمان ضبط بی اطلاع بودند. این والدین وقتی به بسط جمله‌های کودکان اقدام می‌کردند که شخص بزرگسال دیگری در جمع آنها حضور پیدا می‌کرد. بدین ترتیب، می‌توان گفت نقش بسط جملات، شرحی است که والدین به سبب حضور مشاهده گر می‌دهند، و آنگونه که قبلاً پنداشته می‌شد، این کار برای فراهم آوردن اطلاعات دستوری بیشتر برای کودک نیست.

4 - Maternal Language.

5 - Grammatical Expansion.

6 - Psycholinguistics.

### تولید، درک و تقلید

«فراگیری زبان» دو جنبه مجزا را در بر می‌گیرد: توانایی بالبداهه (خلق الساعه) تولید گفتار و توانایی فهم گفتار. در مطالعه توانایی تولید گفتار نسبتاً ساده است؛ فقط باید ضبط صوت را روشن کرد و به آن اجازه تولید می‌شود پرداخت؛ اما تحقیق در پیرامون درک گفتار بسیار مشکل است، زیرا باید هم آنچه به کودک گفته می‌شود در نظر گرفته شود و هم موقعیت سخن گفتن او. هم باید دانش کودک از جهان را نیز در نظر گرفت. در یک آزمایش، کودک دو ساله‌ای به او نشان به او گفته بود «برو و پیژامه‌ات را از کشو اتاق خوابت برد بیار» پدرستی عکس نشان داد. اما بدون یک بررسی دقیق، به هیچ وجه روشن نیست کدام قسمت این جمله را او فهمیده است. ممکن است واژه «پیژامه» که به هنگام خواب گفته شده، همراه دانش که از جای پیژامه باعث یک کنش مناسب شده باشد.

رابطه تولید و درک که با تعریف عام در آن واژده یا ساخت دستوری ساده‌ای نیستند باشد که با گونه‌ای قابل توجه است. «وقتی من گفتم «کنش بیرون پیش فریاد» در پاسخ ساخت به عنوان یک است. گاه در مواردی نسام طول زندگی با نسام

مالات در یادگیری زبان چیست؟ سه امکان وجود دارد. دیدگاه سنتی است، درک را مقدم بر تولید می‌داند؛ کودکان باید قبل از کار برداشتن کنش را بفهمند. شواهدی در دست است که نشان می‌دهد این رابطه ممکن است مقدم بر درک باشد و یا این دو روند چنان به هم آمیخته باشند که به گونه‌ای قابل توجه است. «وقتی من گفتم «کنش بیرون پیش فریاد» در پاسخ ساخت به عنوان یک است. گاه در مواردی نسام طول زندگی با نسام

پژوهشگران بر آن کودکان زرق زبانی آموختن آواها و واژه

بند که تقلید در فراگیری زبان مهارتی است مجزا<sup>۷</sup> و بسیاری از کنش تقلید گفته‌های والدینشان صرف می‌کنند. این بیشتر در هنگام آموختن آواها و واژه

۷. منظور از وجه این است. نسام طول زندگی با نسام

۸. بهین درک و تولید خلق الساعه.

اغلب، کودکان الگوهای جمله را که خود به طور خلق الساعه قادر به تولید آنها نیستند، تقلید می‌کنند و سپس هنگام به کار بردن این ساختارها در گفتار خود، تقلید را متوقف می‌سازند.

### روند توسعه زبانی

برای رشد و تحول کودک، بیشتر اصطلاح «فرهنگ شمار» را به کار می‌برند که منظور از آن سنی است که کودک در آن گام مهمی در رفتارش (مثل نشستن، چهار دست و پا رفتن یا ایستادن) بر می‌دارد. اما این اصطلاح در خصوص زبان چندان مصداقی ندارد. توسعه و افزایش آواها، معنی و مهارت‌های مبادله گفتگو، به طور همزمان رخ می‌دهد و پیشرفت مهمی در چند جنبه مختلف در عرض چند روز با هم به وقوع می‌پیوندد. بنابراین تعیین میزان یادگیری زبان توسط کودک در محدوده یک زمان مشخص کار ساده‌ای نیست (همینطور برآورد پیشرفت متعادل و آنهایی که بیرون از این چارچوب قرار می‌گیرند کاری دشوار است). تلاش‌های بسیاری برای اندازه‌گیری میزان پیشرفت در سطوح مختلف زبانی صورت گرفته است، بویژه در خصوص مفاهیمی چون طول جمله و میزان واژگان که هر دوی آنها پیوسته با رشد کودک افزایش می‌یابند. چنین شاخص‌هایی نشانه‌های کلی پیشرفتند، اما آنها محدودیت‌های بارزی دارند. ممکن است، دو جمله دارای واژگان برابر یا تکواژها و یا حتی هجاهای برابر باشند، اما از پیچیدگی نحوی متفاوتی برخوردار شوند؛ برای مثال جمله «عامر و مرتضی و محمد به سینما رفتند»، از جمله «عامر و پسر بغل دستش به سینما رفتند» ساده‌تر است. بدینگونه، دو کودک ممکن است تعداد واژگان‌شان هر دو ۱۰۰ باشد، اما در دامنه کاربرد واژه‌ها و معنی آنها با یکدیگر تفاوت داشته باشند؛ برای مثال یک کودک ممکن است واژه «سرد» را تنها برای اشاره به «هوای سرد» به کار برد، در حالی که کودک دیگر می‌تواند با همین واژه به آب، غذا و یا حالت صورت کسی اشاره کند. در چنین حائنی یک ارزیابی منفرد بر پایه یک عامل رشدی بیش از آنکه روشنگر باشد، ابهام‌انگیز است. چنین ارزیابی‌ای باید با اندازه‌گیری‌های گسترده‌تر و جزئی‌تری همراه باشد که دامنه کیفی ویژگی‌های زبانی به کار گرفته شده توسط کودک را در نظر می‌گیرند.

از دستاوردهای به دست آمده از مطالعات مربوط به فراگیری زبان، می‌توان چنین نتیجه گرفت که بیشتر کودکان هنگام فراگیری آواها و ساختارهای دستوری، از مسیر واحدی می‌گذرند و در یادگیری واژگان و کاربرد آنها نیز روندهای مشترکی به چشم می‌خورد. با این همه،

تفاوت‌های فاحشی در زبان رشد و پیشرفت زبانی کودکان مختلف دیده می‌شود و تفاوت‌های فردی بسیاری در تریاک فراگیری مشخصه‌های ویژه وجود دارد که پژوهشگر باید آنها را در نظر داشته باشد. مطابق با این تفاوت‌ها، کار اصلی تحقیقات جاری پیرامون زبان کودک است.

### نظریه‌های فراگیری زبان

#### ۱. کودکان زبان را با شنیدن از گفتار بزرگسالان می‌آموزند

مدتها فراگیری زبان به عنوان فرایندی مرکب از تقلید<sup>۸</sup> و تقویت<sup>۹</sup> تلقی می‌شد. از دیدگاه عامه، کودکان با کپی کردن گفته‌هایی که در محیط پیرامونشان می‌شنوند و با تحکیم پاسخهایشان به وسیله تکرار و تصحیح آنها، و واکنشهای دیگری که از بزرگسالان دریافت می‌کنند، صحبت کردن را می‌آموزند. در سالهای اخیر، مشخص شده که این اصل (تقلید) از عهده تشریح تمامی مناطق رشد زبانی بر نمی‌آید. کودکان به مقدار زیادی - بویژه در یادگیری آواها و واژگان - تقلید می‌کنند، اما در زمینه توانایی دستوری، تقلید نمی‌تواند نقش چندانی داشته باشد. شواهدی که در حمایت از این ادعا می‌توان ارائه کرد، بر دو نوع است. یکی بر اساس گونه زبانی که کودکان تولید می‌کنند، دیگری بر اساس آنچه کودکان تولید نمی‌کنند. اولین شاهد را می‌توان از نحوه کاربرد الگوهای دستوری بی‌قاعده توسط کودکان، به دست آورد. هنگامی که آنها در صورت بی‌قاعده زمان گذشته (مثل Took یا went) و یا صورتهای بی‌قاعده جمع (مثل mice یا sheep) مواجه می‌شوند، در مرحله نخست تلاش می‌کنند تا با استفاده از الگوهای ساده‌دار به آنها سامان دهند و صورتهایی چون taked و wented و یا mouses و sheeps تولید می‌کنند. آشکار است که کودکان در این مرحله، کاربرد دستوری را تابع نظم و قاعده می‌دانند و بر این بنیان برای خود صورتهایی می‌سازند که فکر می‌کنند درست است. این فرایند استدلالی که به آن قیاس گفته می‌شود، می‌بینیم که کودکان از فرایند تقلید برای تکرار بردن این صورتهای استفاده نکرده‌اند، زیرا در گفتار بزرگسالان چیزهایی مثل wented و sheeps دیده نمی‌شود.

شاهد دیگر اینکه کودکان حتی اگر از آنها خواسته شود، قادر نیستند از ساختهای دستوری

8 - Imitation.

9 - reinforcement.

برودگسالان تقلید کنند (تقلید استنباطی)<sup>۱۱</sup>. یک روانشناس زبان امریکایی بنام دیوید مک نیل نمونه جالبی در باره این موضوع از گفتگویی که بین یک مادر و کودکش در جریان است، ارائه می‌دهد که در آن با وجود تلاش مادر که چندین بار جمله را تکرار می‌کند، کودک قادر نیست تکرار را بکار برد.

کودک: nobody don't like me.

مادر: no, say "nobody likes me."

کودک: nobody don't like me.

(این دو جمله هشت بار توسط مادر و کودک تکرار می‌شود).

کودک: oh, nobody dont likes me.

محققان است که کودک در این مرحله از یادگیری دستور، هنوز آمادگی استفاده از الگوی *نیک، منفی*<sup>۱۲</sup> که در این لهجه انگلیسی دستوری تلقی می‌شود، ندارد. چنین نمونه‌هایی بیانگر این مطلب می‌تواند باشد که فراگیری زبان بیش از آنکه به تقلید مرتبط باشد، به رشد و بلوغ زبانی<sup>۱۳</sup> باز می‌گردد.

### ۱۲. کودکان با یک توانایی ذاتی برای کسب زبان به دنیا می‌آیند

محدودیت‌های دیدگاه فراگیری زبان از راه تقلید و تقویت، به پیدایش نظریه دیگری در این زمینه در دهه ۱۹۶۰ انجامید که جرقه آن را نوام چامسکی زبانشناس و فیلسوف برجسته

### رتال جامع علوم انسانی

زبان‌شناس (elicited imitation) را می‌توان برای فهمیدن اینکه کودک در برابر آیدان چه می‌داند، به کار برد. پژوهشگر جمله‌ای را می‌خواند و از کودک می‌خواهد تا آن را تکرار کند. اگر کودک تغییری در جمله داد، این تغییرات می‌تواند نشان دهنده این باشد که کدام جنبه‌های زبان را آموخته و کند. جمله‌ها را هنوز فرا نگرفته است. کودکی به نام «ایکو» که ۲۷ ماهه بود اینگونه تقلید کرد:

1. The owi eats candy and The owl runs fast. *ایکو owl eat candy and he run fast*

2. The owl who eats candy runs fast. *ایکو owl eat a candy and he run fast.*

تقلید نخست نشان می‌دهد که «ایکو» معنی و ساخت جمله همپایه را می‌فهمد. او در جمله دوم نیز همین شیوه را به کار می‌برد که نشان‌دهنده این است که او نمی‌تواند خودش را با جمله مشکلتری که دارای یک بند نسبی (بروز) است و با *who* آغاز می‌شود وفق دهد. هر چند معنی آن را فهمیده است.

(Slobin, D.I and Welsh, C.A (1967) "Elicited imitation as a research tool in developmental psycholinguistics").

11 - Single negative.

12 - maturation.



به خود را پیرو دکارت می‌داند و در فلسفه، او را به عنوان یک بنیادگراست که کودکان با یک توانایی ذاتی<sup>۱۴</sup> برای زبان آموختن دارند. این انسان برای پذیرفتن زبان از «پیش‌آمادگی» برخوردار است که از زمانی یعنی وقتی کودکان در معرض گفتار قرار می‌گیرند، الگوهای آنرا در ذهن برای کشف چگونگی ساختار زبان به کار می‌افتند. این زبان<sup>۱۵</sup> (LAD) کودک را می‌سازند.

این دیگران از مکانیسم فرآیند آموختن زبان خود استفاده می‌کنند. سپس این کودکان خود به ساختن فرضیه‌هایی می‌پردازند؛ جمله چیست و پس این دانش برای تولید جملات به کار گرفته می‌شود و بعد از طی این گفتار او با گفتار بزرگسالان شبیه می‌گردد. به این ترتیب کودکان چگونگی شکل‌گیری جملات را کشف می‌کنند؛ فراگرفته است. استفاده از نمودار زیر نشان داد:

امریکایی زد. پناه. عقلگرا<sup>۱۳</sup> می‌شناسد. بدین مفهوم را با خود به دنیا همگانی و بزرگان فرایند ما مکانیسم که دکارت برای استفاده از این داده چگونه ساخته می‌شود یک روند آزمایشی تعیین‌ها با قواعدی این فرایند را می‌تواند



مکانیسم فرآیند آموختن زبان عقیده‌های متفاوتی وجود دارد. عده‌ای در زبان، دانش جهانیهای زبانی، مانند وجود ترتیب واژه‌ها و اسامی و افعال دیگر معتقدند که این مکانیسم تنها مراحل کلی برای آموختن

در تار و پودر می‌گردد. مکانیسم کلام را فراهم می‌کند

<sup>۱۳</sup> nativist.

<sup>۱۴</sup> innate.

<sup>۱۵</sup> Language acquisition device.

چگونگی یادگیری زبان را شامل می‌شود. به هر حال، همه حامیان این نگرش، در این نکته اتفاق نظر دارند که برای توضیح سرعت قابل توجهی که کودکان صحبت کردن را می‌آموزند و شباهتهای عمده‌ای که در الگوهای دستوری در میان کودکان مختلف و زبانهای متفاوت وجود دارد، فرض چنین مفهومی (LAD) الزامی است. چون گفتار بزرگسالان بسیار پیچیده است و از نظم ثابتی پیروی نمی‌کند، پس نمی‌تواند الگویی باشد که کودک با استفاده از آن قاعده‌های زبان را کشف کند. به هر حال، ترسیم ویژگیهای جزئی مکانیسم فراگیری زبان به گونه‌ای که بحث‌انگیز نباشد، کاری دشوار است. تغییراتی که در نظریه زایشی<sup>۱۶</sup> زبان در سالهای اخیر به وجود آمد از یک سو و دیدگاههای دیگری که در خصوص زبان آموزی کودک مطرح شده از سوی دیگر، از عوامل این دشواری محسوب می‌شوند.

### ۳. رشد زبانی کودک انعکاس مستقیم شناخت و فهم بیشتر کودک از جهان است

دیدگاه مهم دیگری که به بررسی پدیده زبان آموزی کودک می‌پردازد، دیدگاهی است که توسط ژان پیاژه روانشناس اهل ژنو (۱۸۹۶ - ۱۹۸۰) مطرح شده است. با توجه به این دیدگاه، فراگیری زبان را باید در بافت یا چهارچوب رشد عقلانی کودک بررسی کرد. ساختهای زبانی تنها هنگامی آشکار می‌شوند که یک بنیان شناختی<sup>۱۷</sup> فراهم شده باشد؛ برای مثال پیش از اینکه کودکان بتوانند ساختهای مقایسه‌ای را به کار ببرند (توپ من بزرگتر از توپ تو است)، باید یک توانایی ادراکی برای قضاوت نسبی در خصوص «اندازه» را در خود پرورده باشند. بهتر است بدانیم که چندین پژوهشگر به وجود چنین رابطه‌ای پی بردند، اما این مدل شناختی در اساس، به پیاژه نسبت داده می‌شود.

مطالعات کنترل شده‌چندی برای بررسی رابطه موجود میان مراحل رشد شناختی پیاژه و پیدایش مهارتهای زبانی انجام گرفته است. این رابطه‌ها، بیشتر ابتدایی‌ترین مراحل یادگیری زبان (تا سن ۱۸ ماهگی) را نشان می‌دهند که کودکان در آن مراحل از اشیاء، تصاویر ذهنی با وجود مستقل می‌سازند. پیاژه این رشد را هوش «حسی - حرکتی» می‌نامد. در اواخر این مرحله در کودک یک حس تشخیص شیء پرورش می‌یابد؛ بدین معنی که او برای یافتن اشیایی

16 - generative theory.

17 - cognitive.

که در معرض دید نیست. به جستجو می‌پردازد. عده‌ای از پژوهشگران بر این باورند که توانایی گروه‌بندی اشیاء و اشیا آنها (اعطای عنوان زبانی ثابت به هر یک از این گروه‌ها) بستگی به رشد قبلی این توانایی شناختی دارد. با این همه، نشان دادن همبستگی‌های دقیق بین رفتارهای شناختی و ویژگی‌های زبانی در این سن کم کار ساده‌ای نیست. به هر حال، بررسی زبان از این دید بسیار بحث‌انگیز است و با پیشرفت زبانی و شناختی کودکان بر پیچیدگی آن افزوده می‌شود.

#### ۴. درون داد زبان در فراگیری آن نقش مهمی دارد

به دنبال ارائه فرضیه‌هایی بودن زبان، سالها اهمیت گفتار بزرگسالان برای کودکان (بویژه مادران) جلوه‌ای نداشته است. اما سلسله مطالعاتی که در دهه ۱۹۷۰ انجام شد - به این مطالعات بعدها عنوان مادر گفتار داده شد - نشان داد که درون داد مادرانه (گفتار مادر کودک) به هیچ وجه تا آن حد که سرفرداران دیدگاه ذاتی بودن ادعا می‌کردند پیچیده و از هم گسیخته نیست. بیشتر والدین با کودکان خود همانگونه که با بزرگسالان دیگر گفتگو می‌کنند، حرف نمی‌زنند. بلکه گفتار خود را به گونه‌ای تطبیق می‌دهند که کودک بتواند حداکثر فرصت را برای مبادله و یادگیری داشته باشد (C.A. Ferguson 1977).

#### شواهد این دیدگاه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

الف) گفته‌های بزرگسالان بویژه در سطح دستور و معنی، به میزان قابل ملاحظه‌ای ساده می‌شوند و جملات کوتاه‌ترند. در یک مطالعه، طول متوسط جملات مادرانه به هنگام صحبت

۱۸. اصطلاح «مادرگفت» (motherese) یا توجه به نقشی که مادران در رشد زبانی اولیه کودک دارند، طبیعی به نظر می‌رسد. شاید بهتر و درست‌تر این اصطلاح «والدین گفت» (Parentese) به کار می‌رفت، زیرا پدران نیز قادرند سخنانشان را هنگام سخن گفتن با کودکان تطبیق دهند و در همان شیوه‌ها استفاده کنند. اما مادرگفت و «پدرگفت» (fatherese) یکسان نیستند. پدران بیشتر در برقراری ارتباط با کودکان با استفاده از پرسش مستقیم استفاده می‌کنند و دامنه واژگانشان نیز وسیعتر است. البته، اصطلاح «والدین گفت» در برگیرنده نیست، زیرا برخی از ویژگی‌های مادرگفت را در گفتار بزرگسالان دیگر نیز می‌توان یافت. بعلاوه، در مناطقی از جهان (مثل ساموئای غربی) کودکان تنها توسط والدین خود نگهداری نمی‌شوند و کودک اغلب انگیزش زبانی خود را از غیر والدین می‌گیرد و خواهر یا همسایه‌ها و اقوام دریافت می‌کند. بنابراین، بعضی از محققین اصطلاح گفتار کودکانه (baby talk) را ترجیح می‌دهند. علت ابهام این اصطلاح (منظور گفتار بزرگسالان است یا کودک؟) بهتر است به جای آن از اصطلاح «دیگران گفت» (otherese) استفاده شود. (E.OCHS, 1982).

با کودکان دو ساله کمتر از چهار واژه بوده است؛ یعنی نصف واژه‌هایی که مادر به هنگام گفتگو با دیگران به کار می‌برد. دامنه‌الگوی جملات و به کار بردن «قالب» آنها محدود است؛ مانند: \_\_\_\_\_ کجاست؟ آن \_\_\_\_\_ است. معانی ملموسند و به موقعیتی که کودک و مادر در آن قرار دارند، وابسته‌اند.

ب) ویژگی‌هایی در گفتار بزرگسالان به چشم می‌خورد که به نظر می‌رسد هدف از آنها وضوح بخشیدن باشد؛ بدین معنی که به هنگام گفتگو با کودک، اطلاعاتی اضافی ارائه می‌شود که به هنگام گفتگو با بزرگسالان آن اطلاعات کنار گذاشته می‌شوند. جملات تقطیع می‌شوند و دگرگفت آنها چندین بار تکرار می‌شود. مسأله دیگر سرعت در گفتار است که گفتگو با کودک، در مقایسه با بزرگسالان بمراتب از سرعت کمتری برخوردار است.

ج) یک عنصر بیانی و عاطفی در «مادرگفت» وجود دارد که با استفاده از واژگان و آواهای بخصوص ادا می‌گردد. واژگانی که از تکرار هجاها و یا اسامی مصغر ساخته می‌شوند، از این قبیلند مانند دَدَ، بَبِی و یا بابایی. در انگلیسی برای این کار بیشتر از پایانه y و صورت‌های مشابه استفاده می‌شود، مانند doggie یا daddy. در فارسی این پایانه i است، مثل خِ خَری - مامانی و یا به گونه‌ای نام آواست؛ مانند هاپو (سگ) بَبِی (گوسفند) قوقولی (خروس). از آواهای منفرد نیز می‌توان چنین استفاده‌ای کرد.

به نظر می‌رسد بعضی از این ویژگی‌ها برای جلب و نگه داشتن توجه کودک و یا تشخیص واژه‌ها و یا آواهای بخصوص به کار می‌روند. این مسأله می‌تواند دلیل خوبی برای استفاده از دامنه زیر و بمی بالا در گفتار مادران باشد. مادران همچنین برای دریافت بازگیری<sup>۱۹</sup> از کودکانشان، بویژه در سه سال اول، وقت زیادی صرف می‌کنند. در گفتار این مادران، صورت‌های پرشی از بسامد بالایی برخوردار است و بیشتر گفته‌ها آهنگ خیزان بالایی دارند (آره؟ باشه؟). اینگونه تغییرات در اولین مبادلات مادر و کودک در ایجاد و تقویت ارتباط معنادار نقش مهمی دارند.

به هر حال ماهیت و بسامد ویژگی‌های زبانی در درون داد مادرانه را نمی‌توان در ارائه نظریه‌های مربوط به فراگیری زبان در نظر نگرفت.

<sup>19</sup> Feed back.

## نتایج

در وضعیت فعلی داد ساختاری، انتخاب یکی از این رویکردها در عمل ممکن نیست. میزان حقایق قطعی و کلی تا اندازه شده پیرامون فراگیری زبان، هنوز بسیار محدود است، بویژه اینکه اکثر تحقیقات روی فراگونی که در محیط آنها انگلیسی به کار می‌رود، انجام شده و صحت فرضیه‌ها را باید با توجه باوری اطلاعات از دیگر زبانها آزمود. بی‌شک، مهارت‌های تقلیدی، مکانیسم زبان آموزانه فراگونی، آگاهی شناختی و درون داد ساختمانند، همگی در پیشبرد روند فراگیری زبان سهیمند. مزگشایی و باز کردن وابستگی متقابل این عوامل، هدف اصلی تحقیقات در زمینه فراگونی است.

## منابع تحقیق

- 1- Chomsky, N. (1957) , "syntactic structures" The Hauge: Mouton.
- 2- Crystal, David. (1989). "Encyclopedia of Lanquage", cambridge university Press.
- 3- Fowler , Roger. (1974). "understanding language".Routledge and Kegan paul ltd.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی